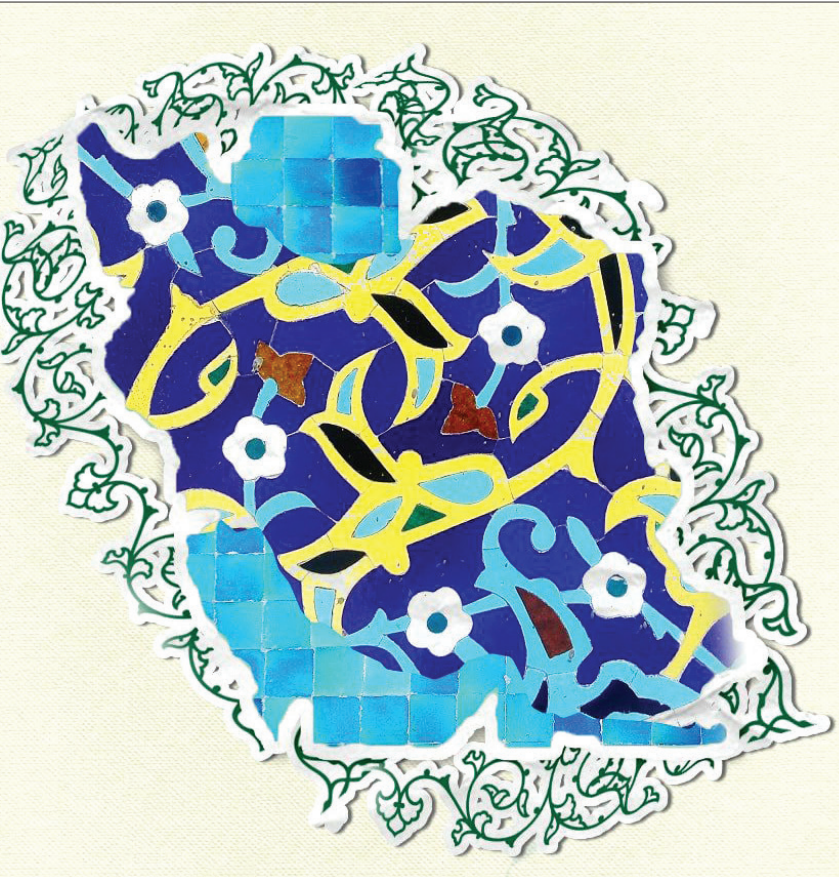


گزارشی از سفر زیارتی دختران دانش آموز توان یاب از ۲۴ استان کشور به مشهد مقدس

# رؤیایی که به واقعیت پیوست

۴



موسی نجفی در نشست «نگاه به آینده از منظر تمدن نوین اسلامی بر اساس اصول بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»:

## تمدن نوین اسلامی امید به آینده و جمع بندی درست گذشته است

به گزارش خبرنگار پایگاه خبری-تحلیلی مفتاح علوم انسانی اسلامی، نشست علمی «نگاه به آینده از منظر تمدن نوین اسلامی بر اساس اصول بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» با سخنرانی موسی نجفی، استاد دانشگاه و پژوهشگر تاریخ اندیشه سیاسی معاصر برگزار شد ...



### منبرمجازی

## آیا شفاعت پارتی بازی است؟



**حجت‌الاسلام عالی** یکی از مهم‌ترین مباحث معاد و عالم آخرت، شفاعت است. این مسئله پیچیده هم هست. آیا شفاعت، عده‌ای را به گناه تشویق نمی‌کند؟ آیا شرک نیست؟ آیا نوعی پارتی‌بازی و ظلم نیست؟ آیا مخصوص گناهکاران است یا خوبان هم به شفاعت نیاز دارند؟ آیا در برزخ هم شفاعت هست؟

امام صادق(ع) می‌فرماید: هر کس سه چیز را انکار کند مؤمن نیست؛ معراج، سؤال قبر و شفاعت. شفاعت یعنی واسطه‌گیری و پادرمیانی. شفاعت یعنی اینکه یک موجود قوی‌تر برای موجود ضعیف‌تر پا درمیانی کند. معصومین(ع) و اولیای خدا بتوانند موجودات پایین را دست‌گیری کنند. شفاعت دو مصداق دارد و فقط مخصوص گناهکاران نیست و کمک می‌کند تا خوبان هم به رتبه‌های بالا بروند. حتی انبیای بزرگ نیاز به شفاعت پیامبر ما دارند. شفاعتی که در عالم آخرت رخ می‌دهد، تجسم یک ارتباط است که در دنیا بین انسان‌هاست. اعمالی که ما در دنیا انجام می‌دهیم در آخرت تجسم پیدا می‌کند... علاوه بر اینکه اعمال ما تجسم پیدا می‌کند، روابطی که ما با انسان‌ها داریم هم تجسم پیدا می‌کند. وقتی شما کسی را دوست دارید، کمک‌کم از او پیروی می‌کنید و رنگ او را به خودتان می‌گیرید و بعد او را رهبر قرار می‌دید و جذب او می‌شوید. این محبت و پیروی و ارتباط، روز قیامت به شکل شفاعت و دست‌گیری و جذب درمی‌آید یعنی در روز قیامت، موجودی که شما در دنیا جذب او بوده‌اید و امام شما بود، شما را جذب می‌کند. البته ممکن است آن فرد فرعون باشد و شما او را رهبر خودت قرار داده‌ای. این رابطه واقعی در قیامت شما را جذب می‌کند چه این امام حق باشد چه باطل. در قرآن داریم: روز قیامت هر کسی را با امامش می‌خوانند... هر مقداری که ما در دنیا نسبت به اولیاءالله محبت داشته و جذباتش شده‌ایم، همان مقدار ما را در آخرت بالا می‌برند.

پس شدت شفاعت به شدت جذبی است که در دنیا وجود دارد. هر مقدار که شما نسبت به حضرت علی(ع) علاقه داری، در آخرت شدت بالا بردنتان هم به علاقه شما بستگی دارد... این رابطه یک رابطه قراردادی نیست بلکه یک رابطه قراردادی و تجسمی است. کسی نمی‌تواند اعتراض کند که چرا شفاعت شامل حال من شد یا نشد زیرا آن‌ها تجسم رابطه ماست و کسی نمی‌تواند به آن اعتراض کند. شفاعت تکوینی است و تابع رابطه‌ای است که ما برقرار کرده‌ایم.

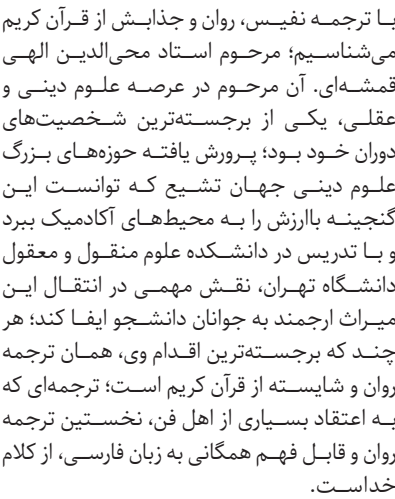
در موزه قرآن حرم رضوی، نسخه‌ای نفیس از قرآن کریم نگهداری می‌شود که مربوط به قرن هفتم هجری است و نگارنده آن، معنای واژه‌های قرآنی را به زبان فارسی، در کنار آن‌ها نوشته است. با این حال، همان طور که اشاره کردیم، ترجمه‌های انجام گرفته، عموماً واژه به واژه و تحت‌اللفظی بود به همین دلیل عملاً کسی می‌توانست بیشترین بهره را از آن ببرد که آشنایی مناسبی با زبان عربی داشت. تلاش برای ارائه یک ترجمه همگانی و قابل استفاده از قرآن کریم به زبان فارسی، از قرن ۱۲قمری وارد مرحله جدیدی شد. شاید اقدام ولی‌الله دهلوی، عالم اهل هندوستان برای ترجمه قرآن در سه جلد، یکی از مهم‌ترین گام‌ها در این عرصه بوده باشد. او این کار را پیش از سال ۱۱۷۶قمری انجام داد. بعدها، محمدطاهر مستوفی هم در تهران دست به ترجمه قرآن زد و آن را در سال ۱۲۹۴قمری منتشر کرد. این دو ترجمه، هر چند از نظر ساختاری، روان و قابل توجه بودند، اما باز هم نتوانستند از بند ترجمه واژه به واژه رها شوند. این مسئله به توجه بیش از حد مترجمان فارسی‌زبان و البته نگرانی آن‌ها از عدم توانایی رساندن مفاهیم قرآنی به زبان فارسی مربوط می‌شد. ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای، نخستین ترجمه‌ای بود که سرانجام از حصار ترجمه واژه به واژه بیرون آمد و توانست قرآن را به گونه‌ای معنا کند که هر کس با کمترین سطح سواد فارسی، قادر به درک و فهم مطالب آن باشد. این ترجمه بسیار نفیس که نخستین بار در سال ۱۳۲۳شمسی منتشر شد، سبب تشویق دیگر مترجمان برای ورود به چنین فضایی شد و به تدریج ترجمه‌هایی قوی و استوار از قرآن کریم به زبان فارسی منتشر شد و ترجمانی مانند محمدکاظم معزی (۱۳۳۴ش)، ابوالقاسم پاینده (۱۳۳۶ش)، ابوالقاسم امامی(۱۳۷۰ش)، آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۳۷۲ش)، بهاءالدین خرمشاهی (۱۳۷۴ش) و طاهره صفارزاده (۱۳۸۰ش) ترجمه‌هایی خوب، روان، ساده و همه‌فهم از کلام وحی ارائه کردند و به این ترتیب، فضا برای انتشار مفاهیم قرآنی در جامعه هموارتر شد و این نهضت جذاب ترجمه قرآن به زبان فارسی روان، با تلاش‌های مرحوم استاد محی‌الدین الهی قمشه‌ای آغاز شد.

زبان عربی مشغول شد و ۳۵ سال در کسوت معلمی ماند. در همین دوره بود که استاد الهی قمشه‌ای به ترجمه متون دینی روآورد؛ قرآن، صحیفه سجادیه و مفاتیح‌الجنان را ترجمه کرد. استاد الهی قمشه‌ای در ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۹۳ / ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۲ دار فانی را وداع گفت و در «وادی‌السلام» قم به خاک سپرده شد.



■ **آنچه ترجمه الهی قمشه‌ای را ممتاز می‌کند** تا پیش از ترجمه روان مرحوم الهی قمشه‌ای، ترجمه قرآن به صورت واژه به واژه صورت می‌گرفت. برخی معتقدند این روش، از قرن اول هجری باب شده و نخستین ترجمه قرآن به زبان فارسی، به صورت آیات پراکنده و در نامه رسول خدا(ص) به خسروپرویز انجام گرفت. با این حال، احتمالاً قدیمی‌ترین ترجمه‌ای که از قرآن به زبان فارسی در اختیار داریم، مربوط به قرن چهارم هجری و در متن کتاب تفسیر طبری است. از دوره‌های بعد نیز نمونه‌هایی از ترجمه قرآن وجود دارد؛ چنان که می‌توان نشانه‌های آن را از دوره سلجوقی به بعد یافت.

**محمدحسین نیکبخت** ۱۲ ربیع‌الثانی، سالروز رحلت عالمی عارف و دانشمندی تواناست که بسیاری از ما، او را با ترجمه نفیس، روان و جذابش از قرآن کریم می‌شناسیم؛ مرحوم استاد محی‌الدین الهی قمشه‌ای. آن مرحوم در عرصه علوم دینی و عقلی، یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های دوران خود بود؛ پرورش یافته حوزه‌های بزرگ علوم دینی جهان تشیع که توانست این گنجینه باارزش را به محیط‌های آکادمیک ببرد و با تدریس در دانشکده علوم منقول و معقول دانشگاه تهران، نقش مهمی در انتقال این میراث ارجمند به جوانان دانشجو ایفا کند؛ هر چند که برجسته‌ترین اقدام وی، همان ترجمه روان و شایسته از قرآن کریم است؛ ترجمه‌ای که به اعتقاد بسیاری از اهل فن، نخستین ترجمه روان و قابل فهم همگانی به زبان فارسی، از کلام خداست.



■ **پرورش یافته حوزه‌های اصفهان و مشهد** استاد الهی قمشه‌ای در سال ۱۲۸۰شمسی در قُمشه (شهرضا) از توابع اصفهان، دیده به جهان گشود. در حوزه علمیه قدیمی و بزرگ اصفهان، پای درس بزرگانی همچون میرزا جهانگیرخان قشقایی، حکیم خراسانی و البته سیدحسین مدرس نشست و دوستی‌اش با او، به ارتباطی پایدار تبدیل شد. آن گونه که وقتی استاد الهی قمشه‌ای پس از اقامتی طولانی در مشهد و درس آموختن در محضر آقابزرگ حکیم، حاج‌آقاَحسین قمی و شیخ حسن بُرسی قصد هجرت به عتبات را داشت، در تهران و به دعوت شهید مدرس ماندگار شد و در مدرسه سپهسالار به تدریس پرداخت. استاد الهی قمشه‌ای پس از بازداشت شهید مدرس، مدتی به زندان افتاد، اما با وساطت دوستان، از بند خلاص شد و پس از آن دوباره به تدریس در مدرسه سپهسالار روآورد و چند سال بعد، پس از تبدیل شدن این مدرسه به دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران، او نیز به تدریس در آن پرداخت و نهایتاً با دریافت درجه دکترا بعد از شهریور ۱۳۲۰، در دانشکده ادبیات به تدریس

### وقف و نذر

## وقف، زندگی ایرانیان را بهینه‌می‌کند



رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه با بیان اینکه وقف در عصر حاضر تحولات فراوانی داشته است، گفت: وقف می‌تواند به بهینه‌سازی زندگی ایرانیان کمک کند و برای بهینه‌سازی زندگی بشریت در آینده برنامه دارد. به گزارش خبرنگار ایکنآ، حجت‌الاسلام سیدمهدی خاموشی دیروز در مراسم شصتمین سال اعطای جایزه ملی البرز (ویژه دانش‌آموزان) اظهار کرد: امام کاظم(ع) در روایتی به هشام از شاگردان خود می‌فرمایند علم فقرات نافعی دارد و یک فقره آن توأمان بودن علم با عقل است. عقل مدیریت به کارگیری علم است. شما دانش‌آموزان نخبه کشور چنانچه عالمانی ژرف‌اندیش و باقدرت تفکر باشید، می‌توانید دنیا را متحول کنید. رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه تصریح کرد: وقف در عصر حاضر تحولات فراوانی داشته است. وقف می‌تواند به بهینه‌سازی زندگی ایرانیان کمک کند و برای بهینه‌سازی بشریت در آینده برنامه دارد. نیات و افاقان در طول تاریخ چنین بوده و نشان‌دهنده این موضوع است. امروز وقف در حوزه انرژی، به کارگیری آب به روش صحیح، کشت و زرع در عمق خاک، استفاده از ظرفیت آب خلیج فارس که در صورت استفاده صحیح بیش از نفت تأثیرگذار خواهد بود، تولید انرژی پاک، ابزار مورد نیاز کشور، تولید تجهیزات پزشکی و قطعات فنی مورد نیاز و ارزش‌سازی این قطعات ورود جدی داشته است. وی بیان کرد: صندوق حمایت از دانش‌بنیان‌ها در سازمان اوقاف و امور خیریه تشکیل شده و با بیش از ۳۵ شرکت دانش‌بنیان، قرارداد مشارکت داریم. سازمان اوقاف، سازمانی پشتیبان در این عرصه است. شما دانش‌آموزان نخبه با قدرت، کار علمی خود را پیش ببرید ما نیز به شما کمک خواهیم کرد.

### نیمکت زندگی

## دلتنگی دوا ندارد

**رقیه توسلی** سن و سال «خانجان» را دارد. مثل من آمده پیش «اوس قربون». نگاهمان که می‌افتد به هم، ضعیف می‌گوید: ناشتایی نخوردم، نور چشمم پریده... . از کیفم توت خشک درمی‌آورم و تعارفش می‌کنم.

می‌گوید سه تا نوه‌اش آنفلوانزا گرفته‌اند. آمده دنبال به‌دانه و عرق زنباب و اکالیپتوس. امان از این عطاری ته بازار که دکان خاطرات است برای من. مثل بزازی و خرازی و ماست‌بندی حاجی سلطانی و ایضاً قنادی و کفاشی و باقی حجره‌ها. دور می‌گردم

بین کیسه‌ها و سطل‌ها و دلم یکهو می‌دود سمت گذشته، دوردست‌ها. از محبت این مادربزرگ قبیلی ویلی می‌روم و بچه می‌شوم. دلم خانجان خودم را می‌خواهد. خانه و قربان صدقه‌هایش را. اصلاً یک لحظه چشم‌هایم را می‌بندم و پرتاب می‌شوم پیش خانجان. جفت طهرها و عصرهایی که تصدق ما نوه‌ها می‌رفت. کدو بخارپز می‌گذاشت جلومان، می‌خندید و شربت گلاب دستمان می‌داد. ما را عاشق نان سنگک و اشکنه‌هایش می‌کرد. سبزی تازه می‌چید از باغچه. لحاف و تشک می‌دوخت. ژاکت

می‌بافت. یکهو دلم هواپیش را می‌کند وسط عطاری. هوای شنیدن صدای قشنگش که ان‌یکاد می‌خواند و فوت می‌کرد طرفمان. چشم‌هایم را باز می‌کنم. آن طرف خامی سفارش عناب و چوب دارچین می‌دهد و من این طرف دکان وسط قوطی‌ها و عطرها و رنگ‌ها دارم از دلتنگی خفه می‌شوم. هر چه فکر می‌کنم یادم نمی‌آید برای رفع بغض، خانجان از عطاری چیزی خریده باشد. بی‌خودی دست می‌برم سمت شیشه عسل و به رنگ طلایی‌اش نگاه می‌کنم. جایی که ایستادم عجیب بوی نفتالین سبجاک انی کنت من الظالمین».